

## زیبایی‌های کربلا حریت و آزادگی، بصیرت

سیدمحمدحسین راجی\*

### مقدمه

اگر چه حادثه عاشورا در زمان محدود و در مکان خاص اتفاق افتاد، اما شعاع و گستره آن جهان را فرا گرفت و بدان زیبایی بخشید، چنانچه حضرت زینب علیها السلام فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»<sup>۱</sup> من چیزی جز زیبایی نمی‌بینم». امام حسین علیه السلام در طلوعه سفر کربلا اظهار امیدواری کرده بود: «امیدوارم آنچه خدا برای ما اراده فرموده است خیر باشد، چه کشته شویم و چه پیروز گردیم».<sup>۲</sup>

زیبا دیدن خواهر و خیر دیدن برادر، مکمل یکدیگرند. جلوه‌های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا بسیار است که حریت و آزادگی و بصیرت دو عنصر از مهم‌ترین زیبایی‌های عاشوراست که این نهضت را جاودانه ساخت. این نوشتار می‌کوشد حریت و آزادگی و بصیرت را بیان کند.

### ۱. حریت و آزادگی

از جمله زیبایی‌های کربلا بیان، حریت و آزادگی یاران امام حسین علیه السلام است. آن‌ها به دنیا و مادیات دلبسته نبودند و از همین رو توانستند در رکاب امامشان جهاد کنند و به شهادت برسند.

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۱۴۲.

۲. لوط بن یحیی، ابو مخنف کوفی؛ وقعة الطف؛ ص ۱۷۴.

## تفاوت آزادی با آزادی

اگر چه آزادی و آزادی اغلب در کنار یکدیگر به کار می‌روند، اما از نظر مفهومی تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. «آزادی» در مقابل بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی و به معنای رهایی تن از اسارت و خلاصی از تنگناهای زندگی و انتخاب آگاهانه مسیر حق است؛ در حالی که «آزادی» برتر از آزادی است و شامل نوعی رهایی از قید و بندهای ذلت‌آور نیز می‌شود و به معنای رهایی عقل و جان آدمی از زندان نفس و شهوت و گام برداشتن در وادی عشق و حیرت است.<sup>۱</sup> علمای علم اخلاق، آزادی را رهایی از اسارت دیگران دانسته و آزادی را رهایی از اسارت خویشتن معرفی کرده‌اند. آزادی زمانی به دست می‌آید که شخصی بر دیگری تسلط نداشته باشد، اما آزادی با تسلط انسان بر خویشتن به دست می‌آید. یاران ابا عبدالله علیه السلام در نهایت آزادی و آزادی بودند. مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود انسان از یاری امام باز بماند، وابستگی‌های دنیاست.

درباره آزادی علامه حلی رحمته الله علیه می‌گویند یک‌بار درباره حکم آب چاه تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده بود که آب چاه تا هنگامی که تغییر نکند و رنگ و بو و طعمش عوض نشود، نجس نخواهد شد. هنگامی که از این تحقیق خلاص شد، متوجه شد که خودش در خانه چاهی دارد. با خود گفت: «شاید به خاطر این چاه و راحتی خودم این چنین فتوایی داده و به این نتیجه رسیده‌ام». از این رو دستور داد که چاه را پُر کردند و آن‌گاه دوباره تحقیق را شروع کرد، در حالی که چاه نداشت و منافی او را منحرف نمی‌کرد.<sup>۲</sup>

## انواع وابستگی‌ها

وابستگی انواع مختلفی دارد. قرآن درباره انواع وابستگی می‌فرماید:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ  
وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛<sup>۳</sup>

۱. جواد محدثی؛ پیام‌های عاشورا؛ ص ۵۵.

۲. علی صفایی حائری؛ مسئولیت و سازندگی؛ ج ۱، ص ۷۴.

۳. آل‌عمران: ۱۴.

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت در نظر مردم جلوه داده شده است تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شوند، ولی این‌ها در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند سرمایه زندگی پست مادی است؛ و سرانجام نیک نزد خداست. خداوند در این آیه شریفه، وابستگی‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرده است:

#### ۱. همسر

وابستگی به همسر می‌تواند مانع شهادت و قیام شود. علاقه به همسر باید تا زمانی باشد که با علاقه و دوست داشتن خدا در تعارض قرار نگیرد. همسر سردار شهید محمود کاوه می‌گفت: «اوایل یکی دو تا نامه برایش نوشتم. تازه عروس بودم، اما جوابی نیامد. می‌فهمیدم یعنی چه. بعد دیگر حتی یک نامه هم ننوشتیم به هم؛ نه محمود، نه من. قرار بود سدّ راهش نشوم. می‌ترسیدیم از وابستگی عاطفی. می‌ترسیدیم عقبش بیندازد».<sup>۱</sup>

#### ۲. فرزند

فرزند هم می‌تواند راه انسان را به سوی بهشت و هم به سوی جهنم هموار کند. یکی از افرادی که به واسطه فرزندش خود را جهنمی کرد، زبیر بود. امام علی علیه السلام درباره او فرمود: «زبیر همیشه از ما اهل بیت بود تا زمانی که فرزند نامبارکش، عبدالله بزرگ شد»<sup>۲</sup> وقتی زبیر خواست جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام را ترک کند، فرزندش عبدالله او را برای کناره‌گیری از جنگ سرزنش کرد.<sup>۳</sup> زبیر عمری خدمت به اسلام را این‌گونه تباه کرد و آغازگر جنگ با امام زمانش شد.<sup>۴</sup>

گاه برخی انسان‌ها یک عمر عبادتشان را به واسطه فرزندشان تباه می‌کنند. خداوند فرزندان را مایه آزمایش آدمی دانسته و فرموده است: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»<sup>۵</sup> اموال و اولاد، وسیله آزمایش انسانند». در صورت وابستگی شدید به فرزند، چه بسا

۱. کوروش علیانی؛ یادگاران (کتاب شهید محمود کاوه)؛ ص ۱۴.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ حکمت ۴۵۳.

۳. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الامم و الرسل و الملوک؛ ج ۴، ص ۵۰۹.

۴. سید محمدحسین راجی؛ زیبایی‌ها و زشتی‌های کربلا؛ ص ۷۸.

۵. تغابن: ۱۵.

عواقب بدی شامل انسان گردد.

برادر شهید سید غلامرضا قاسمی می‌گوید:

وقتی برادرم می‌خواست به جبهه اعزام شود، برای بدرقه ایشان به مشهد رفته بودیم. من فرزندش را به نزدش بردم و گفتم: «برادر جان! با فرزندت خداحافظی کن». ایشان بچه را بوسید و گفت: «برادر! زیاد این بچه را جلوی من نیاور و نگذار من با دل بستگی به دنیا به جبهه بروم. می‌خواهم بدون وابستگی و دل بستگی به آن دنیا بروم».<sup>۱</sup>

### ۳. مال دنیا

سومین وابستگی که خداوند در آیه به آن اشاره می‌کند، مال دنیاست. کسانی که وابسته دنیا نیستند، زندگی و مرگ راحتی نیز دارند. امام خمینی علیه السلام نمونه بارز این افراد است. حاج احمد آقا درباره عدم دل بستگی امام به دنیا می‌گفت:

روزی از برادران سپاه مستقر در بیت امام علیه السلام درخواست کردم که جلوی ایوان بیت، یک نرده نصب کنند. وقتی برادران مشغول این کار شدند، امام علیه السلام وارد شد و فرمود: «احمد، چه کار می‌کنی؟». عرض کردم: «برای حفاظت جان علی (فرزندم) که خدای نکرده به پایین پرت نشود، از برادران خواسته‌ام نرده‌ای جلوی ایوان نصب کنند و این کار مرسوم در همه خانه‌هاست». حضرت امام علیه السلام فرمود: «شیطان از همین جا سراغ آدم می‌آید. اول به انسان می‌گوید منزل شما به نرده احتیاج دارد. بعد می‌گوید رنگ می‌خواهد. سپس می‌گوید این خانه کوچک است و در شأن شما نیست و خانه بزرگ‌تر می‌خواهید و آرام آرام انسان در دام شیطان می‌افتد».<sup>۲</sup>

### آفات وابستگی

وابستگی، آفات بسیاری برای انسان دارد که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. عدم توانایی در گفتن حق

مرحوم ملاعلی کنی علیه السلام یکی از مراجع تقلید زمان ناصرالدین شاه بود. یکی از

۱. نرم‌افزار نشانه؛ کانون فاطمه الزهرا علیها السلام شهرضا؛ به نقل از اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

۲. غلامعلی رجایی؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام ج ۱، ص ۲۹۱.

قراردادهای استعماری دولت ناصرالدین شاه، امتیاز رویترا<sup>۱</sup> بود که از ننگین‌ترین قراردادهای آن زمان به شمار می‌رفت. مخالفت گروهی از مسلمانان به رهبری ملاعلی کنی با این قرارداد، موجب شد که شاه آن را لغو کرد و میرزا حسین خان سپهسالار، نخست‌وزیر ناصرالدین شاه از صدارت برکنار شد. نقل است:

روزی کامران میرزا، پسر ناصرالدین شاه که وزیر جنگ و حاکم تهران بود، به دیدن ملاعلی کنی علیه السلام رفت. ملاعلی به دلیل دردپا نمی‌توانست دو زانو بنشیند. از کامران میرزا [که نایب السلطنه نیز بود] عذرخواهی نمود و پایش را دراز کرد. کامران میرزا این حرکت ملاعلی کنی علیه السلام را حمل بر بی‌اعتنایی کرد و در حالی که در باطن ناراضی به نظر می‌رسید، پاسخ داد: «اصلاً چیز مهمی نیست. من هم درد پا دارم». آن‌گاه پایش را دراز کرد. حاج ملاعلی علیه السلام که متوجه جسارت کامران میرزا شده بود، جواب داد: «اگر می‌بینید من پایم را دراز کرده‌ام، علتش این است که دستم را کوتاه کرده‌ام. شما دستت را کوتاه کن [یعنی دست‌درازی به حریم اسلام و حقوق مردم نکن] و پایت را دراز نما. در این صورت من چه حرفی دارم».<sup>۲</sup>

## ۲. ترس از مرگ

انسان وابسته از مرگ می‌ترسد، اما آزادگان جهان از مرگ ترسی ندارند. درباره آزادگی و دوری از وابستگی آیت‌الله میرزا جواد آقای تهرانی نقل می‌کنند:

روزی شخص گمراهی به ایشان تلفن می‌زند و ایشان را تهدید می‌کند. آقا در جوابش می‌گوید: «پسر جان، اگر قصد داری مرا بکشی، من رأس ساعت یک‌ربع به هفت از منزل خارج می‌شوم و مسیر بنده از کوچه مستشار به سوی مسجد ملاحیدر است که ساعت ۷ صبح آن‌جا باشم. اگر می‌خواهی کاری بکنی، این موقع بهتر است؛ چون کوچه خلوت و رفت و آمد کمتر است. زهی سعادت است برای اینجانب؛ زیرا من عمر خود را کرده‌ام و بهتر از این چیست که به لقای خدا نایل

۱. در فرمانی که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۹ به بارون جولپوس دو رویترا صادر کرد، امتیاز استخراج

کلیه معادن فلزات و زغال سنگ و نفت ایران را به وی داد.

۲. محمد محمدی اشتهاردی؛ *داستان دوستان*؛ ص ۵۳۶ و ۵۳۷.

شوم. فردا بیا و قصد خود را انجام بده». میزرا جواد آقا می‌فرمود: «فردا من رفتم، ولی او بدقولی کرد و نیامد»<sup>۱</sup>.

### کربلا عرصه آزادگی

کربلا نماد آزادگی و آزادی است. عبیدالله بن حرّ جعفی، امام حسین علیه السلام را در راه کوفه زیارت کرد. امام در منزلگاه قصر مقاتل، خیمه او را دید و حجاج بن مسروق را فرستاد تا او را دعوت کند که به اردوی امام بپیوندد. وی بهانه آورد که از کوفه به این خاطر بیرون آمدم که با حسین نباشم؛ چون در کوفه یآوری برای او نیست. پاسخ او را که به امام گفتند، حضرت همراه عده‌ای نزد او رفت و پس از گفت‌وگوهایی درباره اوضاع کوفه، امام از او خواست تا با آب توبه، خطاهای گذشته‌اش را بشوید و به یاری اهل بیت علیهم السلام بشتابد. عبیدالله باز هم نپذیرفت و این کرامت و توفیق را رد کرد و گفت: «یابن رسول‌الله! اگر به یاری تو آیم، همان اول کار پیش روی تو کشته می‌شوم و نفس من به مرگ راضی نیست، ولی این اسب مرا بگیر. به خدا قسم تاکنون هیچ سواری با آن در طلب چیزی نرفته است، مگر این که به آن رسیده و هیچ کس در طلب من نیامده است، مگر این که از او سبقت گرفته و نجات یافته‌ام». امام حسین علیه السلام از او روی برگرداند و فرمود: «نه حاجت به تو دارم و نه به اسب تو». سپس این آیه از سوره کهف را خواند: «وَمَا كُنْتَ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛<sup>۲</sup> ما گمراهان را به یاری خود نمی‌طلبیم» و به او فرمود: «اما از اینجا بگریز و برو. نه با ما باش و نه بر ما؛ زیرا اگر کسی صدای استغاثه ما را بشنود و اجابت نکند، خداوند او را به رو در آتش جهنم می‌اندازد و هلاک می‌شود»<sup>۳</sup>.

### ۲. بصیرت

از دیگر زیبایی‌های کربلا، بصیرت یاران امام حسین علیه السلام بود. بصیرت به معنای هوشیاری و آگاهی و استفاده درست از عقل و منطق و به عبارتی «چشم عقل» است؛

۱. مرتضی عطایی؛ خاطراتی از آئینه اخلاق؛ ص ۵۹ و ۶۰.

۲. کهف: ۵۱.

۳. ابن اعثم کوفی؛ الفتوح؛ ج ۵، ص ۸۴.

نوری درونی که شخص با آن نور، در میان مردم زندگی می‌کند. هر انقلابی که در طول تاریخ رخ داده است، یا با در غفلت نگه داشتن مردم اتفاق افتاده است؛ مانند تمام انقلاب‌های طاغوتیان و یا به سبب بصیرت‌افزایی مردم صورت گرفته است؛ مانند تمام انقلاب‌های الهی. یاران شیدای ابوالفضل علیه السلام با بصیرتی که به آن‌ها عطا شده بود؛ شنیدند، اندیشیدند و از عبرت‌ها بهره گرفتند. آن‌گاه راه‌های روشنی را پیمودند.

### موانع کسب بصیرت

عواملی وجود دارد که مانع به دست آوردن بصیرت می‌شود که برخی از آن‌ها عبارتند از:

#### ۱. بی‌تقوایی

ژرف‌اندیشی و بصیرت و تقوا رابطه مستقیم با یکدیگر دارند. انسان‌های با بصیرت به طور قطع تقوای بیشتری نیز دارند؛ زیرا بصیرت فقط با کسب علم و دانش به دست نمی‌آید؛ بلکه عنایت خدا را نیز نیاز دارد. امام خمینی علیه السلام با بهره‌گیری از تقوا و بصیرت، جامعه را هدایت نمود. درباره بصیرت و آگاهی امام علیه السلام نقل است:

وارد کاخ شدیم. انتظارش را نداشتیم، ولی بلافاصله معمر قذافی به ملاقات ما آمد. ما به او توضیح دادیم که امام از چهره‌های برجسته جهان اسلام هستند و علیه شاه مبارزه می‌کنند و چون احتمال دارد دولت فرانسه بعد از سه ماه اقامت برای ترک آن‌جا به ایشان فشار بیاورد، با اجازه شما ایشان برای اقامت به لیبی بیایند. قذافی به امام ابراز علاقه زیادی کرد. برای انجام هر گونه کمکی هم تمایل نشان داد؛ حتی گفت هر سلاحی هر جای دنیا که بخواهیم، به ما تحویل می‌دهند؛ حتی در خلیج فارس. گفتیم ملت ما، ملتی غنی است و به کمک مالی دیگران احتیاج ندارد. برای ما همیشه مذموم بود که از بیگانه کمک بگیریم؛ حتی از قذافی که شعار اسلام‌گرایی می‌داد. امام علیه السلام نیز دایم می‌فرمود: «با طنابِ قذافی داخل چاه نروید».<sup>۱</sup>

این بصیرت است که انسانی سی سال زودتر انحراف شخصی را که الگوی انقلابیون است، تشخیص دهد.

۱. علی‌الفت‌پور؛ حاشیه‌های مهم‌تر از متن؛ ص ۱۹۱.

## ۲. غفلت

یکی دیگر از موانع بصیرت، غفلت است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «دل‌هایی دارند که با آن درک نمی‌کنند و چشم‌هایی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند. ایشان چون چهارپایانند؛ بلکه از آن‌ها گمراه‌تر هستند و ایشان همان غفلت‌زدگانند».<sup>۱</sup>

دشمن می‌کوشد با سرگرم کردن مان به مسائل کوچک و بی‌اهمیت، ما را از مسائل بزرگ و اصلی غافل کند. هر گاه از دشمنی او غافل شدیم، ضربه سختی خوردیم. امیر ذاکری یکی از فرماندهان ارتش در دوران جنگ می‌گوید:

هر کشوری که قصد حمله به کشور دیگری را دارد، نمی‌تواند یک‌دفعه از پادگان‌ها به سمت کشور دیگری حمله و ادعای جنگ کند. بدون شک برای شروع جنگ اقداماتی لازم است که یکی از آن‌ها حرکت یگان‌ها به سمت نوار مرزهاست. عراق تصمیم قبلی برای جنگ با ایران داشت ... آقای غرضی، استاندار خوزستان که از آن مطلع شده بود، در مجلس گزارشی را درباره قصد عراق برای حمله به ایران ارایه و در این گزارش تأکید کرد که فرماندهان نظامی، این موضوع را بیان می‌کنند. غرضی بعد از ارایه گزارش در مجلس، به بنده گفت: «من را در مجلس هو کردند و گفتند ما شاخ آمریکا را در منطقه شکستیم، چه برسد به عراق!».<sup>۲</sup>

## ۳. نبود اولویت‌سنجی

اولویت‌سنجی، یکی از مصادیق بسیار مهم بصیرت است. چه بسیار افرادی که با وجود علاقه به امام حسین علیه السلام، حضرت را تنها گذاشتند. فرزدق یکی از این افراد است. او در کودکی با غالب، پدرش به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. روزی حضرت علیه السلام پرسید: «او کیست؟». غالب پاسخ داد: «پسر من است که شاعر است». حضرت علیه السلام فرمود: «به او قرآن بیاموز که بهتر از شعر است». او پس از این ماجرا، پاهای خویش را در بند نمود تا قرآن را حفظ کرد.<sup>۳</sup> فرزدق اشعاری در مذمت

۱. اعراف: ۱۷۹.

۲. خبرآنلاین؛ «گفتگو با رئیس اطلاعات لشکر ۹۲ اهواز در دوران جنگ»؛ ۱۳۹۲/۰۷/۰۶.

<https://www.khabaronline.ir/news/315034>

۳. ابن کثیر دمشقی؛ البدایه و النهایه؛ ج ۹، ص ۲۶۵.



ابن ملجم و ابیاتی در رثای امام حسین علیه السلام و اصحابشان<sup>۲</sup> سرود؛ اما با وجود این، هنگامی که امام حسین علیه السلام را در حال خروج از مکه دید، امام علیه السلام را نصیحت کرد و گفت: «کوفیان را پشت سر گذاشتم؛ در حالی که دل‌هایشان با تو و شمشیرهایشان علیه تو بود».<sup>۳</sup> سپس برای انجام حج به سوی مکه حرکت کرد؛ در حالی که امام علیه السلام غریبانه به سوی قتلگاه حرکت می‌کرد. این، نشان نبودِ موقعیت‌سنجی و نداشتن بصیرت فرزددق بود.

#### ۴. جهالت

یکی دیگر از موانع بصیرت، جهل است. ذوالکلاع به سبب بی‌بصیرتی و فقدان بیش صحیح سیاسی از سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین جدا شد و به لشکر معاویه پیوست. وی در جبهه باطل می‌جنگید، اما تصور می‌کرد در حال دفاع از حق است و در راه خدا می‌جنگد.<sup>۴</sup> او وقتی عمار یاسر را در میان نیروهای امام علی علیه السلام دید، به یاد سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله افتاد که فرمود: «عمار را گروه ستمکار خواهند کشت». این امر روحیه او و بسیاری از نیروهای فریب‌خورده معاویه را متزلزل کرد؛ چرا که عمار را در آن سوی میدان و در میان یاران امام علی علیه السلام می‌دیدند.<sup>۵</sup> وقتی معاویه با چنین شبهه‌ای در لشکرش مواجه شد، به ذوالکلاع گفت: «از کجا معلوم که عمار تا آخر در جبهه علی بماند و به ما ملحق نشود؟». ذوالکلاع بی‌بصیرت و جاهل در برابر چنین پاسخ ساده و گمراه‌کننده‌ای به آسانی قانع شد و در کنار معاویه، علیه امام علی علیه السلام جنگید تا کشته شد.<sup>۶</sup>

#### ۵. لجاجت

لجاجت به معنای پافشاری و اصرار کردن بر سخن یا رفتاری و نوعی ستیزه‌جویی

۱. همام بن غالب فرزددق؛ دیوان الفرزدق؛ مقدمه و شرح مجید طرد؛ ج ۱، ص ۷.

۲. محمد بن علی ابن طباطبا؛ الفخری؛ ترجمه وحید گلپایگانی؛ ص ۱۵۶.

۳. ابوحنیفه دینوری؛ اخبار الطوال؛ ص ۲۴۵.

۴. همان، ص ۲۱۳.

۵. ابن اثیر؛ اسد الغابه؛ ج ۴، ص ۱۳۵.

۶. ابن اثیر؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۳، ص ۳۱.

است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس لجاجت کند و بر آن پافشاری ورزد، او همان بخت برگشته‌ای است که خداوند بر دلش پرده غفلت زده و پیشامدهای ناگوار بر فراز سرش قرار گرفته است»<sup>۱</sup>.

دشمنان در مقابل پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام لجاجت داشتند که یک نمونه آن، لجاجت عمر سعد در روز عاشورا در مقابل پیشنهاد های امام علیه السلام است.

### بصیرت عاشوراییان

حماسه آفرینان عاشورا کورکورانه به کربلا نیامده بودند. آنان اهل بصیرت بودند که هم به درستی و حقانیت راه و رهبرشان ایمان داشتند و هم می‌دانستند که وظیفه‌شان جهاد و یاری امام است.<sup>۲</sup> بابصیرت‌ترین یار امام حسین علیه السلام، قمر بنی‌هاشم، حضرت ابوالفضل علیه السلام بود. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرموده است:

عموی ما عباس، انسانی با بصیرت و ژرف‌نگر و آراسته به ایمانی آگاهانه و استوار و عمیق بود. به همراه ابی‌عبدالله علیه السلام دلیرانه مبارزه کرد و در آزمون سخت زندگی با به جان خریدن رنج‌ها و گرفتاری‌های بسیار در راه خدا، سرفراز و سربلند سر بر آورد و پس از جهادی شجاعانه، جان خود را در راه خدا هدیه کرد.<sup>۳</sup>

### فهرست منابع

#### کتاب

۱. ابن اثیر، علی بن محمد؛ *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۷ق.
۲. \_\_\_\_\_؛ *الکامل فی التاریخ*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی؛ *اللهموف علی قتلی الطفوف*؛ تهران: جهان، ۱۳۴۸ش.
۴. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ *الفتوح*؛ تحقیق علی شیری؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن طباطبای، محمد بن علی؛ *الفخری*؛ ترجمه وحید گلپایگانی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، [بی‌تا].

۱. محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۳۳، ص ۳۰۷.

۲. جواد محدثی؛ *پیام‌های عاشورا*؛ ص ۲۵۵.

۳. محمد سماوی؛ *ابصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام*؛ ص ۳۰.

۶. ابومخنف، لوط بن یحیی؛ *وقعة الطف*؛ تحقیق محمدهادی یوسفی غروی؛ چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۷. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود؛ *اخبار الطوال*؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ق.
۸. رجایی، غلامعلی؛ *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام*؛ چاپ ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
۹. سماوی، محمد؛ *ابصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام*؛ قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق.
۱۰. صفایی حایری، علی؛ *مسئولیت و سازندگی*؛ چاپ اول، قم: انتشارات لیلہ القدر، ۱۳۸۵ش.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ *تاریخ الامم و الرسل و الملوک*؛ چاپ دوم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۱۲. عطایی، مرتضی؛ *خاطراتی از آیینۀ اخلاق*؛ چاپ چهارم، مشهد: نشر الف، ۱۳۸۵ش.
۱۳. علیانی، کورش؛ *یادگاران (کتاب شهید محمود کاوه)*؛ چاپ سوم، تهران: روایت فتح، ۱۳۸۲ش.
۱۴. الفت پور، علی؛ *حاشیه‌های مهم‌تر از متن*؛ چاپ سوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۱۵. فرزдық، همام بن غالب؛ *دیوان الفرزدق*؛ مقدمه و شرح مجید طرد، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۴ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محدثی، جواد؛ *پیام‌های عاشورا*؛ چاپ چهاردهم، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۳ش.
۱۸. محمدی اشتهاردی، محمد؛ *داستان دوستان*؛ چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
۱۹. محمد بن حسین الرشیف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: نشر هجرت؛ ۱۴۱۴ق.

### سایت‌ها و نرم‌افزارها

۱. خبرآنلاین؛ «گفتگو با رئیس اطلاعات لشکر ۹۲ اهواز در دوران جنگ»؛ ۱۳۹۲/۰۷/۰۶، کد خبر: ۳۱۵۰۳۴.
۲. نرم‌افزار *نشانه*؛ کانون فاطمه الزهرا علیها السلام شهرضا؛ به نقل از اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.